

یاور انقلاب

نقش آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در تکوین انقلاب اسلامی ایران

محمدباقر بدوی

بخش پایانی

و ادامه رهبری نهضت را به ایشان وا گذاردند:

امید است [خداوند سبحان]... سرکار عالی را در راه پیشرفت اهداف عالیة اسلامی، بیش از پیش موفق فرموده و پیروزی نهایی نصیب عموم ملت ایران بشود. در خاتمه انتظار دارد پس از انجام مقاصد مهمه، هرچه زودتر به قم مشرف شده و دوستان و علاقمندان را مسرور فرماید.^۲

امثال این نامه‌ها را می‌توان از جمله نخستین ضرباتی دانست که پس از ورود امام، بر پیکر رژیم وارد شد؛ زیرا دولت بختیار انتظار داشت پس از ورود امام، بین ایشان و مراجعی که در سالیان گذشته، به صورت مستقیم در صحنه حوادث کشور حضور داشتند، اختلاف بیفتد و بر سر تصاحب منصب رهبری، آهنگ جدایی بزنند و در نتیجه، مریدان هر یک نیز، با پافشاری بر روی مرجع خود، اتحادشان را از دست بدهند و زمینه برای رژیم در تفرق معترضین فراهم شود. موضع‌گیری مراجع بزرگوار چون آیت‌الله مرعشی نجفی و ارسال نامه‌هایی مانند نامه ایشان به محضر امام، نه تنها باعث شد که نقشه رژیم به بن بست برسد، بلکه با تکیه بر همین پشتیبانی‌ها، امام رهبری نهضت را در دست گرفت و قاطعانه دولت بختیار را غیرقانونی دانست و شورای عالی انقلاب را موظف به تشکیل دولت موقت کرد.

سرانجام پس از حدود ۱۵ سال، در صبحگاه دوازده بهمن ۱۳۵۷، امام خمینی به ایران عزیمت نمودند و به لطف الهی و حمایت سراسری مردم توانستند ضربه نهایی را بر پیکر روبه اضمحلال رژیم شاهنشاهی وارد سازند.

آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی که در طول این سال‌ها از رهبران بزرگ این نهضت مقدس بودند، در بخش پایانی این راه‌هم، حضورشان را ادامه دادند.

آخرین بخش این مقال، به نقش برجسته این عالم عامل، در حد فاصل ۱۲ بهمن ۵۷ تا استقرار قطعی نظام جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ اختصاص دارد.

ورود امام به وطن

پس از ورود امام به وطن، آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی که در دوران تبعید امام، ناخدایی قسمتی از کشتی انقلاب را بر عهده داشتند، سرافراز از حُسن انجام تکلیف، با ارسال نامه‌ای به امام، از بازگشت ایشان ابراز خشنودی کردند:

خبر مسرت‌بخش ورود آن جناب پس از حدود ۱۵ سال تبعید و دوری از وطن مألوف، موجب خشنودی عموم مؤمنین، خاصه این جناب گردید.^۱

ایشان که اعتقاد داشتند در زمان غیبت کبرا، رهبری مسلمانان بر عهده ولی فقیه است و دیگران اعم از مراجع و غیره، موظف به اطاعت از اویند، پس از ورود امام، متواضعانه قدم عقب نهادند

۱. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۶۵۳.

۲. همان.

و چنانچه دامنه قدرتش را از آن فراتر ببرد، بازداشت خواهد شد. در این شرایط حساس، باز تنها تأیید مراجع تقلید می‌توانست گره از کار بگشاید. بر همین اساس، آیت‌الله مرعشی بار دیگر پا در میان گذاشتند و با ارسال تلگرافی به ظاهر تبریک‌گونه، مراتب حمایت‌شان را از جایگاه مهندس بازرگان اعلام کردند.

ایشان در نامه، هم‌چنین فرصت را غنیمت دانسته، به او دربارهٔ مسئولیت خطیری که بر دوش گرفته، متذکر شدند:

امیدوار است در پرتو عنایات ائمه اطهار - علیهم‌السلام - این مسئولیت خطیر را به نحو احسن و مطلوب به انجام رسانیده و هر چه زودتر نظام حق و عدل اسلامی برقرار شود.

خداوند سبحان توفیقشان را در راه ترویج دین مقدس اسلام و مذهب اهل بیت عصمت و ترقی این مرز و بوم مستدام فرماید.^۳

تلاش‌های آخر رژیم پهلوی

سردمداران این رژیم در روزهای پایانی حکومت، به هر کاری دست زدند تا شاید از این گرداب نجات یابند. برگزاری تظاهرات چندین هزار نفری ارتشیان وابسته و مزدوران ساواک، اعلام حکومت نظامی، به گلوله بستن مستقیم مردم در خیابان‌ها، برنامه‌ریزی برای کودتا و ترور امام، اعزام تانک‌ها و ماشین‌های زرهی جنگی برای کشتار مردم، شایعهٔ حرام بودن نقض سوگند وفاداری نظامیان به تخت و تاج سلطنتی، احضار لشکرهای نظامی سرتاپا مسلح شهرستان‌ها به تهران و صدها اقدام دیگر، از جمله مواردی بود که باعث شد تهران در روزهای ۲۰ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به صحنهٔ خونین جنگ تبدیل شود.

آیت‌الله مرعشی در این شرایط سرنوشت‌ساز، آنی از حضور خود نکاستند و بلکه برعکس، در عمل، به تجلیل و تحسین و تأیید اعتراضات مردم پرداختند.

ایشان در اطلاعیه‌ای که در این ایام منتشر نمودند، سیاست‌مداران به نکات مهمی اشاره کردند که هرکدام، برای برافراشتن خیمهٔ انقلاب، ستون مستحکمی محسوب می‌شد. ایشان در ابتدای این اطلاعیه، به تجلیل از مردم پرداختند تا بیش از پیش بر

۱. علی رفیعی، شهاب شریعت، ص ۶۱۰.

۲. همان.

۳. روزنامه کیهان، مورخ ۱۷/۱۱/۱۳۵۷.

دولت موقت

شورای عالی انقلاب پس از جلسات متعدد، مهندس مهدی بازرگان را برای احراز مسئولیت نخست‌وزیری دولت موقت برگزید.

وی که بنابر ارتباطات سیاسی سالیان گذشته، ارادت خاصی به آیت‌الله مرعشی می‌ورزید، در همان ایامی که زمزمهٔ نخست‌وزیریش بر سر زبان‌ها بود، کوشید از محضر ایشان درخواست ارائهٔ طریق نماید. اما وقتی که دیدار حضوری ممکن نشد، به گونه‌ای دیگر، ارادتش را نشان داد و فرزندش را به عنوان نماینده به حضور معظم‌له فرستاد تا از طریق نامه‌ای محرمانه، کتباً از مرحوم آقا کسب تکلیف کند:

امروز نیز چون... درک حضور شخصی امکان‌پذیر نگردید، از آقای مهدی کتیرایی، دوست عزیز و همکار قدیم، خواهش کردم جور بنده را کشیده، به اتفاق پسرم عبدالعلی بازرگان شرفیاب شوند و عریضهٔ حاضر را - که فعلاً محرمانه خواهد بود - تقدیم نمایند.^۱

مرحوم بازرگان در این نامه، آیت‌الله مرعشی را محرم خود دانست و با مطرح کردن موضوع نخست‌وزیری خود، از ایشان خواست که در پذیرش و چگونگی خدمت، راه صواب را به او نشان دهد:

نظر به این‌که احتمالاً و قریباً ممکن است از طرف آیت‌الله العظمی خمینی مکلف به امور نخست‌وزیری دولت موقت انقلاب مورد نظرشان بشوم، خواستم ضمن کسب اجازه از محضر پرمهرتان، استدعای عنایت و راهنمایی و التماس دعای عاجل برای توفیق در چنین امر خطیر مافوق الطاعة بنمایم.^۲

به هر حال با وجود این‌که نمی‌دانیم آیت‌الله مرعشی در آن جلسهٔ خصوصی برای مهندس بازرگان چه جوابی فرستاد و اساساً نظرشان در بارهٔ نخست‌وزیری وی چه بود و آیا ایشان نیز همانند امام به احترام آرای جمع، تابع نظر آنان شدند یا...، حکم نخست‌وزیری مهندس بازرگان امضا شد و با ابلاغ آن، بختیار به اوج جنون رسید.

بختیار در نخستین واکنش جدی در برابر بازرگان، رسماً اعلام کرد که رئیس دولت موقت، به جز قم در سایر شهرها مشروعیت ندارد

گرمای اعتراضات بیفزایند:

درو دبی پایان به ملت شریف و شجاع مسلمان و آگاه ایران. رحمت لایزال خداوند بر آنان باد. درود بر ملتی که در راه اعتلای کلمه حق و پیشبرد اهداف عالیة اسلامی و خواسته‌های مشروع خود، تا پای جان استقامت کرده و با فداکاری عجیب و خارق‌العاده، جهانی را به حیرت و تحسین واداشته و کاخ‌های ظلم و ستم و نفاق و بی‌دینی و رژیم منحط سلطنتی را یکی پس از دیگری ویران نموده است.^۱

و سپس در دومین اقدام، نقطه قوت رژیم، یعنی قلب و روح قوای نظامی او را هدف قرار داده، به تسخیر خود گرفتند:

هم‌چنین [درو د] بر افسران و درجه‌داران و همافران نیروی هوایی که از بذل جان دریغ ننموده و با نثار جان خود، نهال دیانت و اسلام و استقلال و آزادی را آبیاری نموده‌اند.

و بلاخره درود ما بر ارتش مسلمان ایران که پشتیبانی خودشان را از ملت آزاده ایران اعلام داشته و به صفوف مردم پیوستند.^۲

و در ادامه، به مهم‌ترین نکته‌ای که در آن ایام باید بدان توجه می‌شد، اشاره کردند و به صراحت از همه مردم خواستند که در آن لحظات حساس، به نظریات رهبران مذهبی توجه نمایند و در برابر تصمیمات دولت موقت انقلاب مطیع باشند:

در این لحظات حساس و سرنوشت‌ساز تاریخی که افق پیروزی نمایان گشته، ضمن تشکر و سپاس از تمامی طبقات... تقاضا نمودم در تمام مراحل ضمن الهام از مراجع عالی مقام، نسبت به انجام آنچه را که دولت موقت اسلامی، جناب آقای مهندس مهدی بازرگان پیشنهاد می‌نمایند، اهتمام نموده و در برقراری نظم و آرامش سعی وافر نمایند تا ان شاء الله تعالی... نظام حق و عدل اسلامی ماهیت اصیل و اعجاب‌انگیز خود را به جهانیان بنمایاند.^۳

ایشان که به خوبی حساسیت دوران انتقال قدرت را دریافته و از نفوذ عوامل اجانب، سوء استفاده دوستان نامحرم، و افراط‌گری برخی هم‌زمان غافل، آگاه بودند، در بخش پایانی این اطلاعیه، به توجه این مهم، در خصوص نفوذ عوامل مشکوک در بین مردم و فریب‌های آنان هشدار داده، متذکر شدند که به خیال اجرای حکم الهی، خودسرانه متهمان و مظنونان همکاری با طاغوت را مجازات نکنند:

از عموم ملت شریف و متدین خواهانم تا با خویشتن‌داری، از تعقیب افراد متهم و مظنون خودداری نموده و از نفوذ عوامل مشکوک در صفوف متحد خود که هدف از آن، ایجاد تفرقه و آتشفروزی و هرج و مرج در سطح شهرها، خاصه تهران است، جداً احتراز نموده.^۴

این موضوع، چنان برای ایشان اهمیت داشت که چهار روز بعد، در نامه‌ای به مردم الشتر لرستان، مجدداً به این مهم اشاره فرموده، عموم مردم را بدان سفارش و تأکید کردند:

از باب خیرخواهی عرض می‌کنم که مستدعی می‌باشم اشخاصی که مورد اتهام مساعدت با دستگاه ظلم باشند و یا واقعاً هم باشند، خود شما مباشر تأدیب او نباشید و او را ارجاع نمایید به حکام شرع و خانه‌ها به آتش نکشید و اشخاص را نکشید.

این‌گونه اعمال باعث انزجار قلوب از این نهضت مهم می‌شود.^۵

پیروزی نهضت اسلامی ایران

با اراده خداوند، رهبری مراجع دینی، و جان‌فشانی‌های توده‌های مؤمن، رؤیای تحقق کشوری مستقل و اسلامی به وقوع پیوست و جهانی را به حیرت فرو برد.

پس از انتقال قدرت و فروکش کردن درگیری‌ها و به کنترل در آمدن اوضاع ظاهری کشور، فصل کشت بذر انقلاب اسلامی به پایان رسید و همه موظف شدند که برای برداشت این محصول با ارزش همت گمارند و چون همه مراحل پیشین، باز این رهبران مذهبی بودند که می‌بایست در این ایام مهم، هدایت‌گر جامعه باشند.

۱. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۶۶۱.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. از اسناد مکتوب آیت‌الله مرعشی نجفی، به تاریخ ۷ ربیع‌المولود ۱۳۹۹.

میراث شهاب

از همه افراد این مملکت کراراً خواسته و حال نیز خواهانم که در این موقعیت حساس، از انتقام جویی فردی و تهمت و افترا بپرهیزند و چنانچه افرادی را که در رژیم سابق جنایاتی مرتکب شده‌اند، خود مستقیماً دستگیر نمایند، بلکه بایستی با صلاح‌دید مراجع عظام و افراد مسئول در دادگاه‌های صالحه، محاکمه و به کیفر اعمال خودشان برسند.^۳

ایشان در آن شرایط ویژه که عمده افکار مسئولان، متوجه اصلاحات سیاسی بود، از مسائل روزمره مردم هم غافل نشدند و سفارش توده‌های ضعیف و متوسط جامعه را - که در آن زمان لطمات اقتصادی بسیاری دیده بودند - به بازاریان و تجار نمودند:

من از بازرگانان و اصناف محترم می‌خواهم که در تأمین آذوقه و وسایل زندگی مردم سعی بیشتر مبدول داشته و از احتکار و گران‌فروشی بپرهیزند و در مطالبات خود، بر بدهکاران فشار وارد ننمایند و حداکثر ارفاق را در حق آنان روادارند.^۴

استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران

به هر حال پس از ایجاد آرامش نسبی، دولت موقت موظف شد تا زمینه همه‌پرسی عمومی را برای تثبیت نهایی نظام اسلامی فراهم کند و اولین شکل دموکراسی دینی و نخستین حکومت اسلامی را، پس از حکومت صدر اسلام به منصفه ظهور برساند.

برای این مهم، دهم فروردین ۱۳۵۸ انتخاب شد و آیت‌الله العظمی مرعشی در آخرین بخش از سلسله مبارزاتشان برای تأسیس نظامی اسلامی، وارد عمل شدند و به طرق مختلف، به راهنمایی مردم پرداختند. برای نمونه، وقتی که از ایشان پرسیده شد:

اکنون که ثمره مجاهدات و رهبری‌های آن پیشوای عظیم‌الشان در انقلاب اسلامی به نتیجه رسیده است، استدعا دارد دستور فرمایند نظر مبارک را در مورد همه‌پرسی دهم فروردین ۱۳۵۸ در تشکیل نوع حکومت ایران.^۵

آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی که چون رهبری بیدار، به حساسیت این برهه زمانی توجه داشتند، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، دست به اقدام شدند و در نخستین گام، در بیانیه‌ای مهم، همه مردم را موظف کردند که برای ساخت ایرانی مترقی بر پایه اصول اسلامی، به مسئولان کمک کنند:

اکنون که نهضت تاریخی ضد استبداد و دیکتاتوری و رژیم منحط و فاسد به دست شما ملت غیور و شجاع ایران... به پیروزی نایل شده و نهال آزادی را به دست آورده‌اید، انتظار دارد عموم ملت تحت لوای دین مقدس اسلام و توحید کلمه با همبستگی کامل در به ثمر رسانیدن این ره‌آورد سعی و کوشش بسیار مبدول داشته و در نوسازی ایرانی مترقی، کمال جدیت را در ترمیم خرابی‌های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی که تنها بازمانده تمدن بزرگ برای این ملت محروم می‌باشد، بنمایند.^۱

و سپس در کمال ذکاوت سیاسی، متوجه اختلاف نظرهای قریب‌الوقوع ملی‌گرایان با مذهب‌یون هم شدند و به عنوان رهبری از رهبران جامعه مذهبی، از آنان خواستند که در این شرایط سرنوشت‌ساز، مطالبه ارث و غرامت را کنار گذاشته و دست در دست یک‌دیگر، برای ساخت ایرانی مستقل بر پایه عدل اسلامی - که مورد تقاضای قریب به اتفاق ایرانیان بود - کوشش کنند:

من از گروه‌های ملی جداً می‌خواهم تا اختلاف سلیقه را در این لحظات سرنوشت‌ساز کنار گذاشته و با تشریک مساعی کامل، هدف نهایی عمومی ملت مسلمان ایران را که برقراری نظام حق و عدل اسلامی است، پیگیری نمایند.^۲

آیت‌الله مرعشی حتی در این ایام که در اوج قدرت سیاسی و به اصطلاح جنگی، فاتح میدان و قادر به اجرای اشد مجازات برای مغلوبین خود بودند، باز به اصول انسانی پایدار ماندند و برای چندمین بار به همه سفارش کردند که مبادا به بهانه اجرای احکام الهی، خودسرانه به اجرای احکام در خصوص متهمان و مظنونان پردازند:

۱. از اسناد مکتوب آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، به تاریخ ۲۷ ربیع‌المولود ۱۳۹۹.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. نظرخواهی مردم قم، به تاریخ فروردین ۱۳۵۸.

به صورت مکتوب به ابراز نظر پرداختند و ابتدا به عنوان یکی از ارکان مورد توجه کشور، که باید به اصول دموکراسی مورد قبول جهانیان پای‌بند باشند، مردم را در نوع انتخابشان مختار دانستند و سپس در مقام هدایت مردم، به آنان توصیه کردند که به نظام «جمهوری اسلامی» رأی مثبت دهند:

مؤمنین و برادران در تعیین آرای خود در فرآیند مذکور مختارند. ولی چون انقلاب ایران، یک انقلاب اسلامی است و اکثریت قریب به اتفاق مردمان این مملکت، مسلمان هستند، امید است مؤمنین و دوستان اهل‌البیت - علیهم‌السلام - با آرای خود به جمهوری اسلامی، که در آن نظام حق و عدل قرآنی حکم‌فرما خواهد بود، بار دیگر بدین وسیله اتحاد و اتفاق و همبستگی خود را به جهانیان به مرحلهٔ ثبوت برسانند.^۱

و پیرو این درخواست، شخصاً نیز پای صندوق آرا رفتند و همگام با مردم، این فریضة الهی را به انجام رساندند.^۲

و سرانجام پس از سال‌ها حکومت جور و ظلم، با رأی ۹۸/۲ درصد مردم، نظامی بر پایهٔ جمهوری اسلامی متولد و قطب قدرت‌مندی در مقابل قدرت‌های دنیوی، بنیان نهاده شد.

آیت‌الله مرعشی که از این انتخاب مردم بی‌نهایت خرسند شده بودند، پس از اعلام نتایج، پیام تبریکی صادر و رسماً طومار حکومت شاهنشاهی را خاتمه یافته اعلام کردند:

مدت پنجاه و چند سالی که دودمان کثیف و مطرود پهلوی از هیچ‌گونه جنایت و خیانت در حق ملتش فروگذار نکرده و به دستور اربابان بزرگ خود و ایادی استعمارگر، ثروت‌های ملی این مرز و بوم را به یغما برده و در مقابل برای سرکوبی مسلمانان، از یک طرف اسلحه، و از طرف دیگر فحشا و فساد و دزدی و ستم و بیدادگری را به ارمان آورده است، اینک بدین وسیله طومار سیاه حکومت غاصب خاندان آنان بسته و برای همیشه به خاک سپرده می‌شود.^۳

و در پایان هم به زیبایی تمام، عظمتی را که مردم خلق کردند، قدر دانسته و با تشکر و اعلام رضایت خود، وعدهٔ رضایت خداوندی را به آنان بشارت دادند:

در فرآیند بی‌نظیری که مسلمانان ایران به ندای روحانیت جواب مثبت داده و با آرای خود به جمهوری اسلامی، استعمارگران شرق و غرب را به زانو درآورده

و جهانیان را از این اتحاد و یکپارچگی و وحدت کلمه - که شیوهٔ هر فرد مسلمان است - به شگفتی واداشته، جا دارد این جانب به سهم خود، ضمن تقدیر و تشکر از عموم طبقات مؤمنین، این پیروزی بزرگ را به همهٔ آحاد و افراد ملت مسلمان ایران و سایر مسلمانان جهان تبریک عرض نماید.^۴

این واقعه چنان برای ایشان گوارا بود که در سال‌های بعد نیز، به مناسبت سالروز دوازدهم فروردین، پیام تبریکی برای امام و مردم ارسال می‌کردند. و جالب آن‌که نه تنها در ایام حضور خود در ایران به این مهم مقید بودند، بلکه در ایام کسالت و حتی هنگامی که در خارج کشور هم به سر می‌بردند، از این تقید دست برنداشتند که بهترین نمونهٔ آن، پیام تبریکی است که از کشور اسپانیا برای امام ارسال نمودند:

در این هنگام که به تجویز پزشکان معالج، به ناچار برای معالجهٔ چشم در خارج از کشور به سر می‌برم، موقع را مغتنم شمرده، از راه دور به مناسبت فرارسیدن ۱۲ فروردین، سالروز جمهوری اسلامی ایران، که روز بزرگی در تاریخ اسلامی و سیاسی ملت و مملکت ما است، به حضورتان تبریک عرض نموده...^۵

البته این عشق و ارادت هم بی‌پاسخ نمی‌ماند و امام بنا بر علاقهٔ همیشگی خود به ایشان، در هر وعده، بی‌درنگ پاسخ نامه را ارسال می‌کردند که برای نمونه می‌توان به پاسخ ایشان به همین نامه اشاره نمود که به اسپانیا مخابره کردند.^۶

۱. از اسناد مکتوب آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، به تاریخ ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۹۹.

۲. روزنامهٔ اطلاعات، ۱۳۵۸/۱/۱۱.

۳. علی دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۱۰، ص ۳۱۰.

۴. همان.

۵. روزنامهٔ کیهان، ۱۳۶۰/۱/۱۵.

۶. میراث شهاب، ش ۱۵.